

صدیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها

بر گرفته از کتاب الغدير اثر علامه شیخ عبدالحسین امینی

تحقیق و ترجمه

محمد حسن شیعی شاهرودی

مؤسسه میراث نبوت

امینی، عبد الحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۴۹ هـ ش = ۱۳۲۰ - ۱۳۹۰.

[الغدیر فی الکتاب والسنة والأدب - برگزیده]

صدیقه طاهره فاطمه زهراء (ع) / عبد الحسین امینی؛ تدوین، تحقیق و ترجمه محمد حسن شفیعی شاهرودی.

قم: مؤسسه میراث نبوت، ۱۴۳۱ هـ ق = ۱۳۸۹ هـ ش = ۲۰۱۰ م. ۲۱۶ ص.

(سلسله موضوعات الغدیر: ۸)

ISBN : 978 - 600 - 5363 - 40 - 1

فارسی.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فنی.

کتابنامه ص ۱۹۹-۲۱۶، همچنین به صورت زیر نویس.

۱- غدیر خم. ۲- علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت - ۴۰ ق. - اثبات خلافت

بلافصل. ۳- فاطمه زهراء (ع)، ۱۱ سال قبل از هجرت - ۱۱ ق.

الف. شفیعی شاهرودی، محمد حسن ۱۳۵۴، گردآورنده و مترجم. ب. مؤسسه میراث نبوت.

ج. عنوان. د. عنوان: الغدیر. ه. عنوان: الصدیقه الطاهره فاطمه الزهراء (ع).

۲۹۷/۴۵۲

BP ۲۲۳/۵۴ / الف ۴۰۴۲ غ

۱۳۸۹

این کتاب با مشارکت و حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است

کتاب: صدیقه طاهره فاطمه زهراء (ع)

• نویسنده: علامه شیخ عبد الحسین امینی نجفی

• تدوین، تحقیق و ترجمه: محمد حسن شفیعی شاهرودی

• نوبت چاپ: اول، جمادی الأولى ۱۴۳۱ هـ ق

• صفحه آرای: مؤسسه میراث نبوت - قم

• ناشر: مؤسسه میراث نبوت - قم

• چاپ و لیتوگرافی: مؤسسه میراث نبوت - قم

• شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

• بها: ۲۵۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۷۱۶-۴۰-۱

مراکز پخش:

۱- قم، بلوار ۱۵ خرداد، کوچه ۱۳، پلاک ۱۳، مؤسسه میراث نبوت، تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۱۰۹۳، همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۹۸۳۰.

۲- قم، شهرک شکره، بلوار آیت الله خامنه‌ای، کوچه ۶، کوچه لاله، پلاک S10، تلفکس: ۰۲۵۱-۳۳۴۲۵۲۶-۸.

۳- تهران، میدان امام حسین (ع)، خیابان شهید مدنی، مقابل ایستگاه متروی شهید مدنی، کوچه شهید خجسته منش، پلاک ۵.

تلفن: ۲۶ و ۲۳ و ۷۷۵۸۲۴۲۲-۰۲۱، همراه: ۰۹۱۹۱۴۹۲۴۸۸.

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یادی از بانوی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام: گرامی باد یاد بانوی دو عالم فاطمه زهرا علیها السلام، بانویی که در راه ولایت و حمایت از امیر المؤمنین پس از رسول خدا چه بلاها و مصیبت‌هایی را تحمل کرد و در این راه به شهادت رسید، بانویی که روح و قلب پیامبر اکرم بود و اذیت و آزار او، اذیت و آزار پیامبر اکرم است: «هي قلبي و روعي الذي بين جنبي فمن آذاها فقد آذاني»^(۱). پاره تن پیامبر که خشم او پیامبر را به خشم می‌آورد: «فاطمة بضعة مني فمن أغضبها فقد أغضبني»^(۲).

حوراء انسیه‌ای که محبوب‌ترین زنان نزد پیامبر خدا بود و خداوند با خشم او خشمگین می‌شود و با رضایتش راضی می‌گردد: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِفَضْلِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ»^(۳).

فاطمه پاک و مطهری که خداوند او و ذریه‌اش را بر آتش جهنم

۱- الفصول المهمة: ۱۵۰ [ص ۱۴۴]؛ نزهة المجالس ۲: ۲۲۸؛ نور الأبصار: ۴۵ [ص ۹۶].

۲- صحيح بخاری [۱۳۶۱/۳، ح ۳۵۱۰]؛ خصائص نسائی: ۳۵ [خصائص أمير المؤمنين/ ۱۴۷، ح ۱۳۵، والسنن الكبرى ۹۷/۵، ح ۸۳۷۱، كتاب المناقب].

۳- مستدرک حاکم ۳: ۱۵۴ [۱۶۷/۳، ح ۴۷۳۰]، وی حدیث را صحیح دانسته است؛ ذخائر العقبی: ۳۹؛ تذکرة السبط: ۱۷۵ [ص ۳۱۰]؛ مقتل خوارزمی ۱: ۵۲؛ کفایة الطالب: ۲۱۹ [ص ۳۶۴، باب ۹۹]؛ الصواعق: ۱۰۵ [ص ۱۷۵].

حرام کرده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذَرْيَتَهَا عَلَى النَّارِ»^(۱).
 بانویی که از لحاظ صورت و سیرت و قیام و قعود شبیه ترین افراد به رسول خدا بود^(۲)، و پیامبر اکرم (ص) او را «صدیقه» نامید^(۳).
 و افسوس که هیچ یک از این کمالات و فضایل و سفارشات پیامبر مورد توجه آنان که مولای او و ما امیر المؤمنین (ع) را خانه نشین کردند واقع نشد، آنان که امیر مؤمنان (ع) را مانند شتری که چوب در بینی اش کرده اند تا مهار گردد، برای بیعت به سوی مسجد کشاندند^(۴)، و خانه وحی را به آتش کشیدند.

عمر با شعله ای از آتش آمد تا خانه وحی را آتش زده بر سرشان خراب کند، فاطمه او را دید و فرمود: «يَا بَنِي الْخَطَّابِ! أَجِئْتُمْ لِتَحْرَقَ دَارُنَا؟! [ای پسر خطاب! آمده ای تا خانه ما را آتش بزنید؟!]. گفت: «نعم، أو تدخلوا فيما دخل فيه الأُمّة!»^(۵) [بله، مگر اینکه داخل شوید در آنچه امت در آن داخل شدند].

رهبر آن گروه سیاسی پس از اینکه هیزم می طلبد، می گوید: «والله لتحرقنَّ عليکم أو لتخرجنَّ إلى البيعة، أو لأحرقنَّها علی من فیها» [به خدا سوگند! خانه را با شما می سوزانم، مگر اینکه برای بیعت خارج شوید، یا گفت: خانه را با هر که در آن

۱- المستدرک علی الصحیحین ۳: ۱۵۲ [۱۶۵/۳، ح ۴۷۲۶].

۲- این روایت را حافظ ابن حبان [در صحیح خودش ۴۰۳/۱۵، ح ۶۹۵۳] چنانکه در ذخائر العقبی: ۴۰ آمده، و حافظ ترمذی [سنن ترمذی ۶۵۷/۵، ح ۳۸۷۲] نقل کرده اند، و ترمذی آن را حسن دانسته است.

۳- الریاض النضرة ۲: ۲۰۲ [۱۵۲/۳].

۴- العقد الفرید ۲: ۲۸۵ [۱۳۷/۴]؛ صبح الأعشی ۱: ۲۲۸ [۲۷۳/۱]؛ شرح ابن أبي الحديد ۴۰۷: ۳ [۷۴/۱۵، نامه ۹].

۵- العقد الفرید ۲: ۲۵۰ [۸۷/۴]؛ تاریخ أبي الفداء ۱: ۱۵۶؛ أعلام النساء ۳: ۱۲۰۷ [۱۱۴/۴].

است به آتش ملی کشم].

به او گفته شد: «إِنَّ فِيهَا فَاطِمَةَ» [در این خانه فاطمه است]؛ گفت: «وإن!»^(۱)
[اگر چه فاطمه باشد!].

ابن شحنة می گوید: «إِنَّ عَمْرَ جَاءَ إِلَى بَيْتِ عَلِيٍّ لِيَحْرِقَهُ عَلَى مَنْ فِيهِ فَلَقِيَتْهُ فَاطِمَةُ فَقَالَ: ادْخُلُوا فِيمَا دَخَلْتُ فِيهِ الْأُمَّةُ»^(۲) [عمر به سوی خانه علی آمد تا خانه و هر که در آن است را به آتش بکشد که فاطمه او را دید و عمر به او گفت: داخل شوید در آنچه اُمّت در آن داخل شدند].

پاره تن مصطفی اندوهگین و غمگین ناله و شیون سر می دهد، و در حالی که از خانه خارج شده و می گرید، با صدای بلند فریاد می زند: «يا أبت يا رسول الله! ماذا لقينا بعدك من ابن الخطاب وابن أبي قحافة؟!»^(۳) [پدرم ای رسول خدا! چه ها که بعد از تو از پسر خطاب و پسر ابوقحافه کشیدیم].

فاطمه صدیقه علیها السلام به همراه زنان هاشمی فریاد می زند، بلند گریه می کند، و ندا می دهد: «يا أبا بکرا ما أسرع ما أغرمت علي أهل بيت رسول الله، والله لا أکلم عمر حتّى ألقى الله»^(۴) [ای ابوبکرا! چه زود بر اهل بیت رسول خدا هجوم آوردید، به خدا سوگند! با عمر سخن نمی گویم تا اینکه خدا را ملاقات کنم].

و آن شاعر مصری^(۵) عربده می کشد، و آتشهای خاموش را شعله ور

۱- تاریخ طبری ۳: ۱۹۸، ۲۰۲/۳، حوادث سال ۱۱ هـ؛ الإمامة والسياسة ۱: ۱۳ [۱۹/۱]؛ شرح ابن أبي الحديد ۱: ۱۳۴، ۱۹: ۲، ۵۶/۲، خطبة ۲۶؛ و ۴۸/۶، خطبة ۶۶؛ أعلام النساء ۳: ۱۲۰۵ [۱۱۴/۴].

۲- تاریخ ابن شحنة، حاشیه کامل ۷: ۱۶۴ [روضه المناظر ۱۸۹/۱، حوادث سال ۱۱ هـ].

۳- الإمامة والسياسة ۱: ۱۳ [۲۰/۱]؛ أعلام النساء ۳: ۱۲۰۶ [۱۱۵/۴]؛ الإمام علي، عبدالفتاح عبدالمقصود ۱: ۲۵۵ [مج ۱/ج ۱۹۱/۱].

۴- شرح نهج البلاغة ۱: ۱۳۴، ۱۹: ۲، ۵۷/۲، خطبة ۲۶؛ و ۴۹/۶، خطبة ۶۶.

۵- محمد حافظ ابراهیم، متوفای سال ۱۹۳۳ م، ۱۳۵۱ هجری.

می‌کند، و آن جنایت‌های فراموش شده را - که به خدا سوگند! هرگز شعله‌هایش فرو ننشسته و خاموش نمی‌گردد و هرگز خاطره‌اش محو نخواهد شد - تجدید خاطر می‌کند و در قصیده عمریه خود - که او و هم‌کیشان‌ش به آن افتخار می‌کنند - بآبی شرمی تمام می‌گوید:

وَقَوْلُهُ لَعَلِّي قَالَهَا عُمَرُ أَكْرَمَ بِسَامِعِهَا أَعْظَمَ بِمَلْقِيهَا
حَرَقْتُ دَارَكَ لَا أَبْقِي عَلَيْكَ بِهَا إِنْ لَمْ تَبَايَعْ وَبَنَتْ الْمَصْطَفَى فِيهَا
مَا كَانَ غَيْرُ أَبِي حَفْصٍ يَفُوهُ بِهَا أَمَامَ فَارِسِ عَدْنَانَ وَحَامِيهَا

[وگفتاری به علی که آن را عمر گفت، گفتاری که شنونده‌اش چه کریم است و گوینده‌اش چه بزرگ؛ خانه‌ات را به آتش می‌کشم و تو را در آن زنده نمی‌گذارم، اگر بیعت نکنی، و این در حالی بود که دختر مصطفی در آن خانه بود. کسی غیر از ابوحفص (عمر) نمی‌توانست این سخن را در برابر تکسوار (اولاد) عدنان (جدّ اعلای پیامبر) و حامی آنان بگوید!].

و دمیاطی شارح این دیوان منحوس در ذیل این بیت می‌نویسد:

منظور این است که ساکن بودن دختر پیامبر در آن خانه باعث نمی‌شود که علی از دست عمر محفوظ بماند.

و نیز می‌نویسد^(۱):

و در روایت ابن جریر طبری، از جریر، از مغیره از زیاد بن کلب نقل شده است: عمر بن خطاب به سوی خانه علی رفت و در آن جا طلحه و زبیر و گروهی از مهاجرین بودند، پس گفت: «وَاللّٰهُ لَأَحْرَقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرِجَنَّ إِلَى الْبَيْعَةِ» [به خدا سوگند! خانه را با شما می‌سوزانم، مگر آنکه برای بیعت خارج شوید]. پس زبیر در حالی که شمشیر کشیده بود به او حمله کرد،

ولی شمشیر از دستش افتاد و به او حمله کردند و او را گرفتند.
اگر زیاد در سند روایت، زیاد حنظلی ابو معشر کوفی باشد، مؤثق است و
ظاهرأ طبری^(۱) بر این روایت اعتماد کرده است.

و فذک نیز بهانه‌ای دیگر برای انتقام گرفتن از خاندان وحی شد؛
بخاری در باب وجوب خمس^(۱) از عایشه نقل می‌کند: «أَنَّ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَأَلَتْ أَبَا بَكْرَ الصِّدِّيقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَقْسِمَ لَهَا مِيرَاثَهَا،
مَا تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ. فَقَالَ لَهَا أَبُو بَكْرٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
لَا تُورَثُ، مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً. فَغَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ
تَزَلْ مُهَاجِرَتُهُ حَتَّى تَوَفَّيْتُ» [فاطمه دختر رسول خدا ﷺ بعد از وفات آن حضرت از ابوبکر
خواست میراثش را و آنچه خدا به پیامبر داده و آن حضرت باقی گذاشته‌اند را تقسیم کند.
ابوبکر گفت: همانا رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: ما از خود ارث بجا نمی‌گذاریم، آنچه باقی
می‌گذاریم صدقه است. پس فاطمه دختر رسول خدا ﷺ غضبناک شد و از ابوبکر دوری
گزید و پیوسته از او اعراض می‌کرد تا وفات نمود].

و نیز در غزوات، باب جنگ خیبر^(۲)، از عایشه نقل کرده است: «إِنَّ
فَاطِمَةَ... إِلَى أَنْ قَالَتْ: فَأَبَى أَبُو بَكْرٍ أَنْ يَدْفَعَ إِلَيَّ فَاطِمَةَ مِنْهَا شَيْئاً، فَوَجَدْتُ فَاطِمَةَ
عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرْتَهُ فَلَمْ تَكَلِّمْهُ حَتَّى تَوَفَّيْتُ، وَعَاشَتْ بَعْدَ النَّبِيِّ ﷺ سَنَةً
أَشْهُرَ، فَلَمَّا تَوَفَّيْتُ دَفَنَهَا زَوْجَهَا عَلِيٌّ لَيْلاً، وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ، وَصَلَّى عَلَيْهَا» [همانا
فاطمه ... تا آنجا که می‌گویند پس ابوبکر از اینکه چیزی به فاطمه بدهد خودداری کرد. پس
فاطمه به‌خاطر این، بر ابوبکر غضبناک شد و از او اعراض کرد و با او سخن نگفت تا وفات
نمود. و پس از پیامبر ﷺ شش ماه زنده بود و چون وفات نمود همسرش علی او را در شب

۱- صحیح بخاری ۵: ۵ [۱۱۲۶/۳] ح ۲۹۲۶.

۲- صحیح بخاری ۶: ۱۹۶ [۱۵۴۹/۴] ح ۳۹۹۸؛ صحیح مسلم ۲: ۷۲ [۲۹۹/۴] ح ۵۲؛

مسند أحمد ۱: ۹ و ۱۳ [۱۳/۱] ح ۲۶؛ ص ۱۸ ح ۵۶.

دفن نمود و به ابوبکر خبر نداد و خود بر او نماز گذارد].

و خشم آن حضرت بر حاکمان وقت به حدی می‌رسد که وصیت می‌کند شبانه دفن شود و هیچ کس بر او وارد نشود - و اجازه نداد که عایشه دختر ابوبکر بر او وارد شود تا چه رسد به خود ابوبکر - و ابوبکر بر او نماز نخواند؛ پس شبانه دفن شد و ابوبکر از آن اطلاع نیافت، و علی بر او نماز گذارد، و آن حضرت با اسماء بنت عمیس او را غسل دادند^(۱).

بنا بر نقل «السيرة الحلیة»^(۲)، و اقدی گفته است: «ثبت عندنا أنَّ علیاً - کرم الله وجهه - دفنها رضي الله عنهما لیلاً وصلى عليها ومعه العباس والفضل ولم یعلموا بها أحداً» [برای ما ثابت شده است که علی کرم الله وجهه حضرت فاطمه را شبانه دفن کرد و بر او نماز گذارد و عباس و فضل همراه او بودند و به هیچ کس خبر ندادند].

ولأیّ الأمور تُدفنُ لیلاً بَضْعَةُ المصطفیٰ وَیُعْفَى ثراها؟! [و به چه دلیل پاره تن مصطفی در شب دفن می‌شود و قبر او محو و مخفی شد؟!].

امان از دل فاطمه (علیها السلام) آنگاه که در کنار قبر مطهر پدر می‌ایستاد، مشتی از خاک قبر بر می‌داشت، بر دیدگان می‌نهاد و گریه می‌کرد و می‌گفت:
 ماذا علی من شَمَّ تربةَ أحمدٍ. أن لا یشم مدی الزمانِ غوالیا
 صُبَّت علی مصائب لو أنَّها صُبَّت علی الأیامِ صرنَ لیالیا^(۳)

۱- طبقات ابن سعد ۸: ۲۹ - ۳۰؛ مستدرک حاکم ۱۶۳: ۳، ح ۴۷۶۴ و ۴۷۶۹؛

۲- السيرة الحلیة ۳: ۳۹۰ [۳۶۱/۳].

مقتل خوارزمی ۱: ۸۳.

۳- ر. ک: ص ۱۶۳ از همین کتاب.

[کسی که خاک پیامبر ﷺ را ببوید چه حالی خواهد داشت آری او دیگر تا ابد بوی خوش دیگری را استشمام نخواهد کرد. مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می‌شد شب می‌شدند].

و امان از دل حیدر کزار امیر مؤمنان آنگاه که بز صدیقه طاهره ندبه می‌کند و گریه‌های طولانی سر می‌دهد و می‌فرماید: «السلام عليك يا رسول الله! وعن ابتك النازلة في جوارك والسرعة للحاق بك. قل يا رسول الله! عن صفيتك صبري، ورق عنها تجلدي، إلا أن لي في الناسي عظيم فرقتك وفادح مصيبتك موضع تعز، فلقد وسدتك في ملحودة قبرك، وفاضت بين نحري وصدري نفسك، فإننا لله وإنا إليه راجعون، فقد استرجعت الوديعة، وأخذت الرهينة، أما حزني فسرمد، وأما ليلي فمسهد، إلى أن يختار الله لي دارك التي أنت بها مقيم، وسئبتك ابتك بتضافر أمتك على هضمها، فأخفها السؤال، واستخبرها الحال، هذا ولم يطل العهد، ولم يخل منك الذكر، والسلام عليكما، سلام مودع لا قال ولا سيم، فإن أنصرف فلا عن ملامة^(۱)، وإن أقم فلا عن سوء ظن بما وعد الله الصابرين» [سلام بر تو ای رسول خدا! سلامی از طرف من و دختری که در جوارت فرود آمده و شتابان به شما رسیده است! ای پیامبر خدا! صبر و بردباری من با از دست دادن فاطمه کم شده، و توان خویشتن داری ندارم، اما برای من که سختی جدایی تو را دیده، و سنگینی مصیبت تو را کشیدم، شکیبایی ممکن است. این من بودم که با دست خود تو را در میان قبر نهادم، و هنگام رحلت، جان گرامی تو میان سینه و گردنم پرواز کرد. پس همه ما از خداییم و به خدا باز می‌گردیم. پس امانتی که به من سپرده بودی برگردانده شد، و به صاحبش رسید، از این پس اندوه من جاودانه، و شهبایم، شب زنده داری است. تا آن روز که خدا خانه زندگی تو را برای من برگزیند. به زودی دختری تو را آگاه خواهد ساخت که اقامت تو چگونه در ستمکاری

۱- [در منبع اصلی این چنین آمده است. ولی در نهج البلاغة/۳۲۰، خطبه ۲۰۲ چنین آمده است: «ملالة» (از روی خستگی...)، و همین با سیاق مناسب‌تر است.]

بر او اجتماع کردند. پس در پرسش از او پافشاری کن، و حال (اندوهناک) ما را از او خبر گیر، که هنوز روزگاری سپری نشده، و یاد تو فراموش نگشته است. و سلام من به هر دوی شما سلام وداع کننده‌ای که از روی خشنودی یا خسته دلی سلام نمی‌کند. پس اگر باز می‌گردم از روی ملامت و سرزنش نیست، و اگر در کنار قبرت می‌نشینم از بدگمانی به آنچه خدا صابران را وعده داده نمی‌باشد]. سپس نزد قبر فاطمه این شعر را خواند:

لَکَلِّ اجْتِمَاعٍ مِنْ خَلِیلِینَ فَرَقَةً وَکُلِّ الَّذِیْ دُونَ الْمَمَاتِ قَلِیلٌ
وَإِنْ اِفْتِقَادِیْ وَاحِداً بَعْدَ وَاحِدٍ^(۱) دَلِیلٌ عَلٰی اَنْ لَا یَدُومُ خَلِیلٌ^(۲)
[هر جمعی از دو رفیق، جدایی دارد، و اجتماعی که تا نزدیک مرگ ادامه یابد کم است. و همانا از دست دادن من یکی پس از دیگری راه، دلیل بر این است که هیچ رفاقتی دوام نمی‌یابد].

در پایان امیدوارم این اثر مورد رضایت مدافع آستان علوی حضرت فاطمه (علیها السلام) واقع شود، که رضایت او رضایت خداوند است. و به محضر خداوند عرضه می‌دارم:

یا رَبِّ اِنِّیْ لَمْ اُرِدْ بِالَّذِیْ بِهِ مَدَحْتُ عَلِیّاً غَیْرَ وَجْهِکَ فَاَرْحَمِ
و این شعر خطیب خوارزمی حنفی که در بیان مظالم وارده به اهل بیت است را یاد آور می‌شوم:

لَقَدْ قَتَلُوا عَلِیّاً مَذاً تَجَلَّی لِأَهْلِ الْحَقِّ فَحِلاً فِی الضَّرَابِ
وَقَدْ قَتَلُوا الرِّضَا الْحَسَنَ الْمَرْجُی جَوَادَ الْعَرَبِ بِالسَّمِّ الْمَذَابِ
وَقَدْ مَنَعُوا الْحُسَیْنَ الْمَاءَ ظِلْماً وَجُدُّلَ بِالطَّعَانِ وَبِالضَّرَابِ
وَلَوْلَا زَیْنَبٌ قَتَلُوا عَلِیّاً صَغِیراً قَتَلَ بَقٌّ أَوْ ذُبَابِ
وَقَدْ صَلَبُوا إِمَامَ الْحَقِّ زَیْداً فِی اللَّهِ مِنْ ظَلَمٍ عَجَابِ

۱- و در نقلی آمده است: «و إِنْ اِفْتِقَادِیْ فَاطِماً بَعْدَ اَحْمَد». [و همانا از دست دادن من فاطمه

را پس از احمد...]. ۲- ر. ک: أعلام النساء ۳: ۱۲۲۲ [۳۱/۴].

بناتُ محمدٍ فی الشمس عطشی وآلُ یزیدَ فی ظلِّ القبابِ
 لآلِ یزیدَ من آدمِ حیامٍ وأصحابُ الکساءِ بلا ثیابِ
 و حسن ختام پیشگفتار را این شعر فقیه عماره قرار می دهم:

یا ربِّ هبْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا
 واجعل معونتك الحسنی لنا مددا
 ولا تکلنا إلى تدبیر أنفسنا
 فالنفس تعجزُ عن إصلاحِ ما فسدنا
 أنت الکریمُ وقد جهزتُ من أُمْلِي
 إلى أیادیک وجهاً سائلاً ویدا
 وللرجاءِ ثوابٌ أنت تعلمه
 فاجعل ثوابی دوامَ السّر لی أبدا

ودر پایان: نسأل الله الإخلاص، فإنه الأصل والأساس،
 والله الموفق للسداد والصواب، وإليه المرجع والمآب.
 الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن أبي طالب.

قم مقدس - مؤسسه میراث نبوت

محمد حسن شفیعی شاهرودی

۱۳۸۹/۱/۲۰ هـ ش ۲۴/ربیع الثانی/۱۴۳۱ هـ ق

فهرست محتوا

نخست - ولادت حضرت زهرا علیها السلام

سخن أم المؤمنين خديجه علیها السلام درباره ذکاوت فاطمه علیها السلام و آفرینش او: «كانت فاطمة تُحدّث في بطن أمها، ولما ولدت وقعت حين وقعت على الأرض ساجدة، رافعة أصبعها» [فاطمه در شکم مادرش سخن می گفت و آنگاه که متولد شد و روی زمین قرار گرفت سجده کرد و انگشتش را بالا برد] ۱۵

پیرامون تاریخ ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۵

چگونگی حامله شدن حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت فاطمه علیها السلام ۱۵

چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۵ - ۱۶

دوم - اوصاف ظاهری حضرت زهرا علیها السلام

نقد سخنان امیل در متعم نگارنده کتاب «حیاء محمد»:

۱- مزخرفات او درباره فاطمه علیها السلام و علی علیه السلام ۱۹ - ۲۰

سرزنش نگارنده و نیز مترجم کتاب ۲۰ - ۲۱

معنای ضرب المثل عربی: «جاء بأذنی عناق»، «جُرِف مُتهال وسحاب مُنجال»، و «جَذِب السوء یُلجئ إلى نُجعة سوء» ۲۰ - ۲۱

دنباله رو مقصّر نیست: همه این سخنان ساختگی و نسبتهای دروغینی که در کتاب است، چیزی جز کلمات جلف و سبک نیست که با تاریخ صحیح و آنچه مورد اتفاق نظر اُمت اسلامی است، و آنچه پیامبر اقدس (صلی الله علیه و آله) به آن خبر داده، ناسازگار است. ۲۰ - ۲۱ احادیث و کلماتی پیرامون فاطمه (علیها السلام) و علی (علیه السلام):

- سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «فاطمة حوراء انسیة، کَلَمَّا اشْتَقْتُ إِلَى الْجَنَّةِ قَبِلْتُهَا» [فاطمه حوریة انسیه است، هرگاه مشتاق بهشت می شوم او را می بوسم] ۲۲
- سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «فاطمة هي الزهرة» [فاطمه همان زن زیبا و سفید و خوش آب و رنگ است] ۲۲
- سخن مادر انس بن مالک: «كانت فاطمة كالقمر ليلة البدر...» [فاطمه مانند ماه شب چهارده بود] ۲۲
- سخن اُم المؤمنین خدیجه (علیها السلام) درباره ذکاوت فاطمه (علیها السلام) و آفرینش او: «كانت فاطمة تُحَدِّثُ فِي بطنِ أُمِّهَا، وَلَمَّا وُلِدَتْ وَقَعَتْ حِينَ وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ سَاجِدَةً، رَافِعَةً أَصْبَعَهَا» [فاطمه در شکم مادرش سخن می گفت و آنگاه که متولد شد و روی زمین قرار گرفت سجده کرد و انگشتش را بالا برد] ۲۳
- سخن عایشه درباره شباهت فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و احترام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَشْبَهَ سَمْتًا وَدَلًّا وَهَدْيًا وَحَدِيثًا بِرَسُولِ اللَّهِ فِي قِيَامِهِ وَقَعُودِهِ مِنْ فَاطِمَةَ. وَكَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ قَامَ إِلَيْهَا فَاقْبَلَهَا وَرَحَّبَ بِهَا وَأَخَذَ بِيَدَيْهَا وَأَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ» [من کسی را ندیدم که از لحاظ شکل ظاهری، و خوش سیرتی، و طریقه و روش، و سخن گفتن شبیه تر از فاطمه به رسول خدا در ایستادن و نشستن او باشد. و وقتی بر رسول خدا وارد می شد، بلند می شد و به طرف او می رفت و او را می بوسید و به او

- خوش آمد می‌گفت و دست او را می‌گرفت و در جای خود می‌نشاند] ۲۳
- در بارهٔ چهرهٔ زیبای علی علیه السلام آمده است: «أَنَّهُ كَانَ حَسَنَ الْوَجْهِ كَأَنَّهُ قَمَرٌ لِّمِلَّةِ الْبَدَرِ، وَكَأَنَّهُ عَقْلُهُ إِهْرَاقُ نَفْثَةِ ضَحْوَكَ السَّنِّ، فَإِنْ تَبَسَّمَ فَمِنْ مِثْلِ اللُّؤْلُؤِ الْمَنْظُومِ» [او زیبا روی بود مانند ماه شب چهارده، و گردنش گویا آبریز نقره‌ای بود، و میان دندانهایش باز بود، و اگر تبسم می‌کرد، دندانهایش مانند مرواریدهای چیده شده بود] ۲۴
- علی علیه السلام تنها مجاهدی است که برخی آیات قرآن دربارهٔ او نازل شده است ۲۵
- سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: «أَشْبَهْتَ خَلْقِي وَخُلُقِي وَأَنْتَ مِنْ شَجَرَتِي الَّتِي أَنْسَمْنَاهَا [تُو] دَر خَلْقَتِ وَ اخْلَاقِ، شَبِيهٌ مِنْ هَسْتِي وَتُوْ از هَمَانِ دَر خَتِي هَسْتِي كِه مِنْ اَزْ اَنْ دَر خَتِ هَسْتِمِ] ۲۶
- روایاتی دیگر دربارهٔ حسن خلق و بردباری امیر المؤمنین علی علیه السلام ۲۶
- سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ، وَيَرْضَى لِرِضَاكِ» [همانا خدا به خاطر غضب تو غضب می‌کند و به خاطر رضایت تو راضی می‌شود] ۲۷
- و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «هِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي» [او (فاطمه) قلب من و روح من که بین دو پهلوی من است، می‌باشد پس هر که او را بیازارد، همانا مرا آزرده است] ۲۷
- و سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي» [فاطمه پارهٔ تن من است پس هر که او را غضبناک کند مرا به خشم آورده است] ۲۸
- پیامبر صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را در میان صحابه می‌گرفت و می‌فرمود: «إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَهَذَا أَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [همانا این نخستین کسی است که به من ایمان آورده، و نخستین کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می‌کند] ۲۸

- سخن پیامبر اکرم (ع) خطاب به اصحابش: «أُولَکُمْ وَارِدُ أَعْلَى الْحَوْضِ، أُولَکُمْ إِسْلَامًا: عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» [اولین کسی از شما که در حوض (کوثر) بر من وارد می‌شود، اولین کسی است که اسلام آورد (یعنی) علی بن ابی طالب] ۲۹
- اشاره‌ای به حدیث طیر مشوی که دلالت می‌کند بر اینکه علی (ع) محبوب‌ترین خلق خداوند است ۲۹
- سخن پیامبر اکرم (ع) خطاب به عایشه: «إِنَّ عَلِيًّا أَحَبُّ الرِّجَالِ إِلَيَّ، وَأَكْرَمُهُمْ عَلَيَّ، فَأَعْرِفِي لَهُ حَقَّهُ وَأَكْرَمِي مَوَاهِدَهُ» [همانا علی محبوب‌ترین مردان نزد من و گرامی‌ترین آنها بر من است، پس حق او را بشناس و او را گرامی بدار] ۲۹ - ۳۰
- سخن پیامبر اکرم (ع): «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ مِنَ الرِّجَالِ عَلِيٌّ» [از میان مردان محبوب‌ترین مردم به من علی است] ۳۰
- سخن پیامبر اکرم (ع): «عَلِيٌّ خَيْرٌ مِنْ أُنْزَلَتْ عَنْهُ بَعْدِي» [علی بهترین کسی است که پس از خود به جای می‌گذارم] ۳۰
- سخن پیامبر اکرم (ع): «عَلِيٌّ خَيْرُ الْبَشَرِ مِنْ أَبِي فَقْدَكَفَرٍ» [علی بهترین انسان است و هر که امتناع ورزد همانا کافر شده است] ۳۰
- سخن پیامبر اکرم (ع): «مَنْ لَمْ يَقْلِ عَلِيًّا خَيْرَ النَّاسِ فَقْدَكَفَرٍ» [کسی که نگوید علی بهترین مردم است همانا کافر شده است] ۳۰
- سخن پیامبر اکرم (ع) در حدیث رایت [پرچم] که مورد اتفاق همه است: «لَا عَظِيمَ الرَّايَةِ غَدَارٌ جَلَّيْحَتُهُ وَرَسُولُهُ وَيَحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ» [فردا پرچم را به مردی می‌دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند و او (نیز) خدا و رسولش را دوست می‌دارد] ۳۱
- سخن پیامبر اکرم (ع): «عَلِيٌّ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنْ بَدَنِي» [علی نسبت به من به منزله

سر من از بدن من است] ۳۲-۳۱

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي» [علی از من و من از

او هستم و او بعد از من ولی و سرپرست هر مؤمنی است] ۳۲

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث فرستادن سوره توبه که همگی آن را صخیخ

دانسته اند: «لَا يَذْهَبُ بِهَا إِلَّا رَجُلٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ» [آن را نمی برد مگر مردی که از من است

و من از او هستم] ۳۲

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لَحْمُكَ لَحْمِي، وَدَمُكَ دَمِي، وَالْحَقُّ مَعَكَ» [گوشت تو گوشت

من، و خون تو خون من، و حق با تو است] ۳۲

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَلَهُ نَظِيرٌ فِي أُمَّتِهِ، وَعَلِيٌّ نَظِيرِي» [هیچ پیامبری

نیست مگر اینکه در اُمت خود همانندی دارد و علی همانند من است] ۳۳

اُم سلمه می گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا أَغْضَبَ، لَمْ يَجْتَرِ أَحَدًا أَنْ يَكَلِّمَهُ غَيْرَ عَلِيٍّ» [هرگاه

رسول خدا خشمگین می شد، کسی غیر از علی جرأت نمی کرد با او سخن بگوید] ۳۳

عایشه می گوید: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ أَحَدًا أَحَبَّ إِلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ مِنْ عَلِيٍّ، وَلَا فِي الْأَرْضِ امْرَأَةً

كَأَنَّ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ امْرَأَتِهِ» [به خدا سوگند! مردی را ندیدم که از علی در نزد رسول خدا

محبوب تر باشد و در زمین زنی نیست که از همسر علی نزد پیامبر محبوب تر

باشد] ۳۳

به گفته بریده و ابی: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنَ النِّسَاءِ فَاطِمَةُ، وَمِنْ الرِّجَالِ

عَلِيٌّ» [محبوب ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله از میان زنان فاطمه و از میان مردان علی

بود] ۳۳

در حدیث جمیع بن عمیر آمده است: با عَمّه بر عایشه وارد شدیم، پس پرسیدم:

«أَيُّ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ؟» قَالَتْ: فَاطِمَةُ. فَقِيلَ: مَنْ الرِّجَالُ؟ قَالَتْ: زَوْجُهَا، إِنْ كَانَ مَا عَلِمْتَ صَوَامًا قَوَامًا» [كداميك از مردم نزد رسول خدا محبوبتر بودند؟ گفتم: فاطمه. پس گفته شد: از مردان چه کسی؟ گفتم: همسر فاطمه و تا آن جا که می دانم روزه دار و قیام کننده در شب بود]. ۳۴-۳۳

سخن پیامبر اکرم (ص) به فاطمه: «إِنَّ اللَّهَ أَطَّلَعَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَاخْتَارَ مِنْهُمْ أَبَاكَ فَبَعَثَهُ نَبِيًّا، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَ بَعْلَكَ، فَأَوْحَى إِلَيَّ، فَأَنْكَحْتَهُ وَاتَّخَذْتَهُ وَصِيًّا» [همانا خدا به اهل زمین نگاه کرد، پس از میان آن ها پدرت را انتخاب کرد و او را به پیامبری مبعوث نمود، سپس دوباره نگاه کرد و شوهرت را انتخاب کرد، و به من وحی نمود که او را به ازدواج تو در آورم، و وصی خود قرار دهم]. ۳۴

سخن پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ رَجُلَيْنِ: أَحَدَهُمَا أَبُوكَ وَالْآخَرَ زَوْجَكَ» [همانا خدا از اهل زمین دو مرد را برگزید: یکی پدرت و دیگری همسرت]. ۳۴

۲- «نقد سخن این مرد: «دو داماد امسوی پیامبر بیشتر از علی با پیامبر مدارا می کردند» ۳۴

همین در مدارا کردن عثمان بزرگوار تو را پس است که انس از رسول خدا نقل کرده که چون هنگام دفن دختر عزیزش رقیه شد و بر قبر او ایستاده و اشک از چشمانش سرازیر بود، فرمود: «کدامیک از شما در این شب با همسر خود نزدیکی نکرده است؟». و ابو طلحه گفت: من؛ پس به او امر نمود که در قبر رقیه برود ۳۴-۳۵

ابن بطال نوشته است: پیامبر (ص) می خواست عثمان را از فرود در قبر رقیه محروم کند؛ زیرا او در شبی که یکی از زنانش مرده بود، با همسرش نزدیکی کرده بود! و غمتاک بودن به خاطر این مصیبت و قطع دامادی او برای پیامبر (ص) او را از نزدیکی باز

نداشته بود ۳۵

ابوالعاص تا سال جنگ حدیبیه مشرک بود، و دو بار با مشرکان اسیر شد، و اسلام میان او و همسرش زینب، دختر پیامبر شش سال جدایی انداخت، و زینب که اسلام آورده بود مهاجرت کرد و او را به خاطر شرکش ترک نمود. و بعد از اسلامش، هرگز کلمه‌ای از او که پرده از ارتباط و مدارای وی با پیامبر بردارد، نقل نشده تا چه رسد به اینکه با علی که پدر ذریهٔ پیامبر و آقای عترت اوست، مقایسه شود! ۳۵-۳۶

۳- این مرد، پیامبر اسلام ﷺ را متهم کرد که برای خوشبختی دخترش، کاری نمی‌کند و به علی علیه السلام تهمت زد که از این کار ناراحت می‌شود. ۳۶

پیامبر ﷺ وقتی صبح می‌شد به در خانه علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می‌آمد و می‌فرمود: «یرحمکم الله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ...» ۳۶
سخن پیامبر اکرم ﷺ: «فاطمة أحب الناس الی» [فاطمه محبوب‌ترین مردم در نزد من است] ۳۶

عمر به فاطمه می‌گفت: «والله ما رأیتُ أحداً أحبَّ الی رسول الله منک» [به خدا سوگند! کسی را ندیدم که در نزد رسول خدا محبوب‌تر از تو باشد]. ۳۶

۴- این مرد چه کار زشتی انجام داده که این دروغ را به پیامبر ﷺ نسبت داده است که علی را قیام کننده [و لایق] برای کارهای بزرگ نمی‌شمرد ۳۷
بدتر از همه اینکه این مرد همسران پیامبر را دشمنان علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام می‌شمارد .. ۳۸
ای کاش می‌دانستم چگونه مترجم خوش داشته که عایشه را دشمن فاطمه شمارد، در حالی که عایشه سر فاطمه را می‌بوسید و می‌گفت: «ای کاش من مویی در سر تو بودم» ۳۸

- و بر اساس حدیث غدیر، اُمت اتفاق نظر دارند که رسول خدا درباره علی فرمود: «أَللَّهِمَّ
وال من والاه وعاد من عاداه» [خدایا هر که او را دوست دارد دوست بدار، و هر که با او
دشمنی می کند دشمن بدار] و سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ
أَبْغَضَ عَلِيًّا فَقَدْ أَبْغَضَنِي...» [هر که علی را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که با
علی دشمنی کند با من دشمنی کرده است...]. ۳۹
- آن حضرت (صلی الله علیه و آله) از جبرئیل خبر داد که: «السَّعِيدُ كُلُّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَبَعْدِ
مَمَاتِي، أَلَا وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي» [خوشبخت کامل
کسی است که علی را در زمان حیات و پس از مرگ من دوست بدارد، آگاه باشید؛ همانا
بدبخت کامل کسی است که علی را در زمان زندگی و بعد از مرگ من دشمن
بدارد]. ۳۹
- سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مورد عترتش: «لَا يَجْتَبِيهِمُ إِلَّا السَّعِيدُ الْجَدُّ طَيْبُ الْمَوْلَدِ، وَلَا يَبْغِضُهُمْ إِلَّا
شَقِيَّ الْجَدِّ رَدِيءُ الْوَلَادَةِ» [دوست ندارد آن ها را مگر خوشبخت و حلال زاده، و دشمنی
نمی کند با آن ها مگر بدبخت دارای ولادت پست]. ۴۰
- از طریق راویان ثقه نقل شده است: «أَنَّ عَلِيًّا لَا يَبْغِضُهُ أَحَدٌ قَطُّ إِلَّا وَقَدْ شَارَكَ ابْلِيسَ أَبَاهُ فِي رَحِمِ
أُمِّهِ» [هرگز کسی با علی دشمنی نمی کند مگر اینکه شیطان با پدرش در رحم مادرش
شریک شده باشد]. ۴۰
- سخن عباده بن صامت: «كُنَّا نُبَوِّرُ أَوْلَادَنَا بِحَبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)...» [ما فرزندانمان را با
دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) امتحان می کردیم...]. ۴۰

سوم - ازدواج حضرت زهرا (علیها السلام)

پیامبر فاطمه (علیها السلام) را در مقابل یک پنجم زمین به عقد علی (علیه السلام) درآورد:

براساس برخی روایات مراد از آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» این

است که با علی بن ابی طالب علیه السلام باشید ۴۶

بر اساس برخی روایات آیه: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» أولئك المقربون در باره علی علیه السلام نازل

شده است ۴۷

احادیثی پیرامون آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نِّدْأَةً

فِيهَا حُسْنًا» ۴۷

سخن امام مجتبی علیه السلام: «أنا ابن البشر، وأنا ابن النذير ...» ۵۰

ابن حجر گفته است: درباره آیه: «وَقَوْمُهُمْ إِنَّهُمْ مُّسْؤُولُونَ» روایت شده که منظور، سؤال از

ولایت علی و اهل بیت علیهم السلام است ۵۱

ثعلبی در تفسیرش درباره آیه: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» نقل کرده است: «منظور، راه

محمد و آل اوست» ۵۲

درباره آیه: «وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاَكِبُونَ» نقل شده که امیر المؤمنین علیه السلام

افرمود: «راه (مستقیم)، ولایت ما اهل بیت است» ۵۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «أَنْتُمْ كُمْ عَلَى الصِّرَاطِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِأَهْلِ بَيْتِي وَلِأَصْحَابِي» [با

اثبات ترین شما بر راه (راست)، کسی است که اهل بیت و اصحاب مرا بیشتر دوست

داشته باشد] ۵۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام را «صدیقه» نامیده اند ۵۲-۵۳

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السلام: «أَوْتِيتَ لَنَا لَمْ يُؤْتِ تَهَنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا» [سه

خصلت به تو داده شده که به هیچ کس حتی به من داده نشده است ...] ۵۳

مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام صدیق این اُمت است، و این لقب، مخصوص اوست ۵۳

طبری می گوید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَمَاءَ صَدِّقًا... وَكَانَ يُلقَّبُ بِعُصْبِ الْأُمَّةِ وَبِالصَّدِّيقِ الْأَكْبَرِ»

[همانا رسول خدا ﷺ او را صدیق نامید... و ملقب به عصب ائمه (بزرگ و پیشوای

امت) و صدیق اکبر بوده است]. ۵۳

احادیثی درباره «صدیق» بودن امیر المؤمنین (ع) ۵۳ - ۵۴

سخن پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي، وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ

الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ، وَهَذَا فَارُوقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَهَذَا يَعُصِبُ الْمُؤْمِنِينَ»

[همانا این شخص، نخستین ایمان آورنده به من و اولین کسی است که در روز قیامت

با من مصافحه می کند و او صدیق اکبر و فاروق این امت است که حق و باطل را از

یکدیگر جدا می کند و او یعسوب مؤمنان (امیر و بزرگ مؤمنان) است]. ۵۴

از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده: «وَهُوَ بَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَهُوَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي» [و او درب من

است، دری که از آن جا باید وارد شد، و او خلیفه بعد از من است]. ۵۴

از امیر المؤمنین (ع) نقل شده: «أَنَا الصَّدِّيقُ الْأَكْبَرُ لَا يَقُولُهَا بَعْدِي إِلَّا كَذَابٌ» [من صدیق اکبر

هستم، و این سخن را پس از من جز فرد بسیار دروغگوی افترازن نمی گوید]. ۵۵

اشاره به اینکه خدای تعالی خود، فاطمه را به ازدواج علی در آورد و ولی امر او بود و

جبرئیل امین عقد را خواند ۵۶

از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده: «يَا عَلِيُّ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ مِمَّنْ عِبَادَهُ، وَإِنَّهُ أَوْحَى إِلَيَّ أَنْ

أَزُوجَكَ فَاطِمَةَ عَلَى خَمْسِ الْأَرْضِ، فَهِيَ صَدَاقُهَا؛ فَمَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ وَهُوَ لَكُمْ مُبْتَغِضٌ

فَالْأَرْضُ حَرَامٌ عَلَيْهِ أَنْ يَمْشِيَ عَلَيْهَا» [ای علی! همانا زمین از آن خداست و به هر یک از

بندگان که بخواهد می سپارد و همانا او به من وحی کرد که فاطمه را در مقابل یک

پنجم زمین که مهریه اوست به ازدواج تو در آورم؛ پس هر کس درحالی که دشمن شما

است بر روی زمین راه برود، این راه رفتن بر روی زمین بر وی حرام است] ۵۷

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده: «... صاراخی وابن عمی وابنتی فکاک رقاب رجال و نساء اُمتی من النار» [پس برادر و پسر عمو و دخترم آزاد کنندگان مردان و زنان اُمت من از آتش شدند] ۵۸

جبرئیل شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام، برای او لباسی از بهشت فرود آورد ۵۹

ابوبکر و عمر از فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند؛ اما پیامبر به آن‌ها جواب رد داد ۶۲

تاریک جلوه دادن معاشرت زیبای حضرت زهرا علیها السلام با همسر پاک و مطهرش:

حدیث «أبو تراب» نامیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امیر مؤمنان را ۶۲-۶۳

روایت شده: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از این رو علی را ابوتراب نامیده است که او هرگاه بر فاطمه ایرادی می‌گرفت و از او خشمگین می‌شد، با وی سخن نمی‌گفت، و حرفی به او نمی‌زد که ناراحت شود، فقط خاکی برداشته بر سر خود می‌گذاشت ۶۳

این سخن از تراوشات سینه‌های پُر کینه است که برای آلوده ساختن دامن پاک امیر مؤمنان علیه السلام، و تاریک جلوه دادن معاشرت زیبای آن حضرت با همسر پاک و مطهرش، به هم بافته‌اند ۶۴

نویسنده عصر حاضر، صفحات تاریخش را با این کلام، سیاه کرده است: «... روزی پیامبر به خانه آمد و دید فاطمه در خانه اوست و به خاطر کتکی که از علی خورده گریه می‌کند» ۶۴

کرامتی پیرامون حدیث ابوتراب نامیدن علی علیه السلام ۶۵

چهارم - مناقب حضرت فاطمه علیها السلام

۱- حرام بودن ذریه حضرت زهرا علیها السلام بر آتش:

تکذیب حدیث: «فاطمه أخصت فرجها فخرها وذریتها علی النار» [فاطمه پاکدامنی پیشه کرد،

پس خداوند آتش را براو و فرزنداناش حرام کرد] توسط ابن تیمیه، و پاسخ آن . ۶۹ - ۷۰

شگفتا از این مرد که گمان می کند اجماع و اتفاق به میل و اراده اوست. ۷۰

اگر انسان از دروغگویی و بیهوده گویی نهی نشده بود، بیش از آنچه این مرد گفته،

نمی توانست بگوید. ۷۰

این فضیلت، ویژه سرور زنان فاطمه (علیها السلام) است، و چه بسیارند فضایی که به آن حضرت

اختصاص دارند و زیان بافضیلتی چون ساره و مریم و حوا و دیگر زنان از آن بی ...

بهره‌اند ۷۱

احادیث فراوانی که این حدیث را تأیید می کنند:

حدیث ابن مسعود: «إِنَّمَا سَمِيتُ فَاطِمَةَ؛ لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ فَطَمَهَا وَذَرَيْتَهَا عَنِ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [او

فاطمه نامیده شده است، زیرا خداوند او و فرزنداناش را از آتش بریده و جدا کرده

است]. ۷۲

سخن پیامبر خطاب به فاطمه: «إِنَّ اللَّهَ غَيْرُ مُعَذِّبِكَ وَلَا أَحَدًا مِنْ وَلَدِكَ» [خداوند تو و فرزندان را

عذاب نخواهد کرد]. ۷۲

و سخن حضرت خطاب به علی (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَذَرَيْتَكَ» [خدا تو و فرزندان را

بخشیده است]. ۷۲

و سخن حضرت: «وَعَدَنِي رَبِّي فِي أَهْلِ بَيْتِي مَنْ أَقَرَّ مِنْهُمْ بِالتَّوْحِيدِ وَلِيَّ بِالْبَلَاغِ أَنَّهُ لَا يَمُذِّبُهُمْ»

[پروردگارم وعده داده است که اهل بیت من چنانکه به توحید و پیک وحی بودن من

اقرار داشته باشند، آنان را عذاب ننماید]. ۷۲ - ۷۳

در شمار عقاید شیعیه می‌گوید: همه ذرّیه پیامبر ﷺ معصوم هستند. ۷۳
 امتیاز خاصی که ذرّیه پیامبر ﷺ دارند، این است که در هر حال توفیق توبه را پیدا می‌کنند.

..... ۷۴

سخن قسطلانی و زرقانی در شرح حدیث: «إِنَّمَا سُمِّيتِ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ قَدْ فَطَمَهَا وَذُرِّيَّتَهَا عَنْ
 النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» [فاطمه به این نام نامیده شده؛ زیرا که خداوند او و فرزندان او را از آتش
 حفظ کرده است] ۷۴

صحابه در کتاب و سنت: ۷۶

این سخنی که بر نصوص فراوان استوار است، تازه‌تر از قول به عدالت همه اصحاب
 نیست، در حالی که خداوند در قرآن در آیات زیادی که همگی آن‌ها یک هدف را
 نشانده رفته‌اند، گروهی را منافق و دسته‌ای را مرتد معرفی می‌کند. ۷۶

در صحیح بخاری آمده است: «هنگامی که دسته‌ای از اصحاب پیامبر خدا ﷺ را به جهنم
 می‌برند، پیامبر ﷺ می‌گوید: «این‌ها اصحاب من هستند» و جواب داده می‌شود که
 این‌ها پس از شما برای همیشه از دین برگشتند و مرتد شدند». ۷۶

در صحیح دیگر آمده است: «می‌گویم: اصحاب بیچاره من!! در پاسخ می‌گویند: نمی‌دانی
 پس از تو چه کارهایی که نکردند». ۷۶-۷۷

تو خود خوب می‌دانی که چه اختلافاتی میان اصحاب بروز کرد، و موجب چه دشمنی‌ها،
 و کینه ورزی‌ها، و ناسزاگویی‌ها، و کوبیدن بر سر یکدیگرها، و جنگ‌ها و
 درگیری‌هایی شد! قطعاً این حوادث یک طرف را از چهار چوب عدالت بیرون
 می‌برد. ۷۷

از گناهانی که برخی از صحابه مرتکب شدند، و شر و فساد که به پا کردند صرف نظر کن!

- ۷۷
 ۲- نهادن لقب «صدیقه» بر فاطمه زهرا (علیها السلام) توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۷۷
 سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام): «أَوْتَيْتَ ثَلَاثًا لَمْ يُوْتِهِنَّ أَحَدٌ وَلَا أَنَا...» [سه
 ... خصلت به تو داده شده که به هیچ کس حتی به من داده نشده است...] ۷۷
 ۳- خشم خداوند با خشم فاطمه (علیها السلام)، و خشنودی خداوند با خشنودی او ۷۸
 سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به فاطمه (علیها السلام): «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِمُغْضَبِكَ، وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» [همانا خدا به
 خاطر غضب تو غضب می کند و به خاطر رضایت تو راضی می شود] ۷۸
 و سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «هِيَ قَلْبِي وَرُوحِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ أَذَاهَا فَقَدْ أَذَانِي» [او (فاطمه)
 قلب من و روح من که بین دو پهلوی من است، می باشد پس هر که او را بیازارد، همانا
 مرا آزرده است] ۷۸
 و سخن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي» [فاطمه پاره تن من
 است پس هر که او را غضبناک کند مرا به خشم آورده است] ۷۸-۷۹
 تکذیب سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) به فاطمه: «يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِمُغْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» [ای
 فاطمه! خدا به سبب غضب تو غضبناک، و به سبب رضایت تو راضی می شود] ... ۷۹
 در این تیمه بیماری ریشه دوانده است: چهل بی پایان و آگاهی اندکش از کتابهای
 حدیث، و کینه نکبت بارش نسبت به خاندان وحی ۷۹
 حدیث یاد شده نزد بزرگان حدیث، از احادیث معروف و مشهور است ۷۹
 ۴- «محدثه» بودن حضرت زهرا (علیها السلام) ۸۰
 همه ائمه طاهره (علیهم السلام) محدث بوده اند، صدیقه طاهره (علیها السلام) محدثه بوده است، سلمان فارسی

شیعه، امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه علیهم السلام را محدث می‌دانند، و اهل سنت عمر بن خطاب را از

محدثین می‌دانند ۸۱

روایات اهل سنت درباره محدث ۸۱

آمار روایات شیعه ۸۳

همه ائمه طاهره علیهم السلام محدث بوده‌اند، صدیقه طاهره علیها السلام محدثه بوده است، سلمان فارسی

محدث بوده است ۸۶

شیعه نسبت به سایر مذاهب اسلامی سخن شاذ و نادری در این باره نگفته است، جز اینکه

عمر بن خطاب را از محدثین شمرده است ۷۴

بیا از دروغگوی حجاز، و اصل و پایه نفاق، و مایه فساد در جامعه - عبدالله قصیمی -

ببرسیم: چگونه در کتابش - الصراع بین الإسلام والوثنية - نوشته است: «نزد شیعه،

ائمه از اهل بیت، پیامبر هستند و به آن‌ها وحی می‌شود...» ۸۶

پنجم - جایگاه حضرت زهرا علیها السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱- او محبوبترین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است:

عایشه می‌گوید: «والله ما رأيت أحبا إلى رسول الله من علي، ولا في الأرض امرأة كانت

أحب إليه من امرأته» [به خدا سوگند! مردی را ندیدم که از علی در نزد رسول خدا

محبوب‌تر باشد و در زمین زنی نیست که از همسر علی نزد پیامبر محبوب‌تر

نباشد] ۹۱

به گفته بریده و ابی: «أحب الناس إلى رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم من النساء فاطمة، ومن الرجال علي»

[محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از میان زنان فاطمه و از میان مردان علی بود].

در حدیث جمیع بن عمیر که گفت: با عمه‌ام بر عایشه وارد شدیم، پس پرسیدم: «أَيُّ النَّاسِ أَحَبُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ؟» قالت: فاطمة. فقيل: من الرجال؟ قالت: زوجها، إن كان ما علمت صَوَّاماً قَوَّاماً [کدامیک از مردم نزد رسول خدا محبوب‌تر بودند؟] گفت: فاطمه. پس گفته شد: «از مردان چه کسی؟» گفت: همسر فاطمه و تا آن جا که می‌دانم روزه دار و قیام کننده در شب بود[..... ۹۱]

۲- پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فاطمة حوراء، إنسيّة كلما اشتقت إلى الجنة قبلتها» ۹۲

۳- خشنودی فاطمه (ع) خشنودی رسول خدا (ص)، و خشم او خشم رسول خداست. ۹۲

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فاطمة بضعة مني فمن أغضبها فقد أغضبني» [فاطمه پاره تن من

است پس هر که او را غضبناک کند مرا به خشم آورده است] ۹۳

نگاهی به کلامی در دناک:

نقد کلام ابن کثیر در کتاب تاریخ خود در دفاع از خلیفه ۹۳

ششم - حمایت فاطمه (ع) از ولایت امیر المؤمنین علی (ع)

و آنچه پس از پیامبر (ص) بر او گذشت

احتجاج دخت گرامی رسول خدا (ص) حضرت صدیقه طاهره (ع) ۹۷

جایگاه و منزلت علی (ع) نزد مردم در زمان حیات فاطمه (ع) ۹۷

به علی (ع) نسبت داده‌اند: «چون رسول خدا (ص) وفات نمود در امر خود اندیشیدیم؛ پس

پیامبر (ص) را به یاد آوردیم که ابوبکر را در نماز مقدم کرده بود؛ پس برای دنیای خود

رضایت دادیم آنچه را رسول خدا برای دین ما رضایت داده بود و ابوبکر را مقدم

کردیم» ۹۷-۹۸

قرطبی می گوید: «كان لعلي من الناس جهة حياة فاطمه» [مردم در زمان حیات فاطمه به خاطر

کرامت او، به علی احترام می گذاشتند]؛ «جهة» یعنی جاه و احترام ۹۸

و می گوید: «چون فاطمه وفات کرد و علی با ابوبکر بیعت نکرد مردم از آن احترام دست

برداشتند تا او نیز در آنچه مردم داخل شدند داخل شود و جماعت آن ها را متفرق

نکند» ۹۸

بیعت نکردن امیرالمؤمنین با ابوبکر تا زمان شهادت حضرت زهرا (ع):

در صحیح بخاری از محمد بن حنفیه نقل شده است: «به پدرم گفتم: بهترین مردم پس

از رسول خدا (ﷺ) چه کسی است؟ گفت: ابوبکر... گفتم: سپس تو بهترین فرد

هستی؟ گفت: من نیستم مگر مردی از مسلمانان!» ۹۸-۹۹

این نخستین لغزش از لغزشهای بخاری نیست. ۹۹

گفته شده: چون امام (ع) خواست به سوی آن مرد برود و او را یاری کند این حنفیه بازوی

او را دو کف او را دو طرف کمر او را گرفت و او را از این کار باز داشت؟! ۱۰۰

و اگر امیرالمؤمنین (ع) بر این باور بود که ابوبکر بهترین مردم است، پس چرا تا زمان

وفات سرور زنان - فاطمه - با او بیعت نکرد؟! ۱۰۱

امیرالمؤمنین (ع) در زمان حیات فاطمه (ع) نزد مردم عزت و احترامی داشت ۱۰۱

اشاره ای به خطبه حضرت زهرا (ع):

صدیقه طاهره (ع) در خطبه خود خطاب به ابوبکر و همراهان وی فرمودند: شما «طَرَقَ»

می نوشیدید، و برگ درختان را می خوردید، ذلیل و خاضع بودید و می ترسیدید

مردم پیرامونتان اموالتان را بربایند؛ پس خدا شما را به وسیله رسولش نجات

داد» ۱۰۲

ماجرای فدک

مظهر علم خلیفه: از مظاهر علم خلیفه نزد ابن حجر روایت کردن دو حدیث است:

نخست: «هیچ پیامبری نمی‌میرد مگر اینکه در زیر بستری که در آن وفات کرده دفن

می‌شود». و دوم: «ما پیامبران ارث نمی‌گذاریم و آنچه از ما به‌جامی‌ماند، صدقه است»

..... ۱۰۳

گویا ابن حجر مردم را با خود مقایسه کرده و گمان کرده آن‌ها فرزندان سنگ هستند که هیچ

نمی‌فهمند و فقط می‌شنوند ۱۰۴

روایاتی پیرامون «روضه نبوی (علیه السلام)» ۱۰۴

چرا گوش‌های شنوایی نبود که به ادعای صدیقه (علیها السلام) و همسر طاهر او (علیه السلام) که می‌گویند فدک

هبه‌ای از جانب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت فاطمه است، گوش دهد؟! ۱۰۸

فاطمه (علیها السلام) به ابوبکر گفت: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) جَعَلَ لِي فَدَكَ فَأَعْطَنِي إِيَّاهُ، [رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فدک

را برای من قرار داد آن را به من بده!]. و علی بن ابی طالب (علیه السلام) به نفع آن حضرت

شهادت داد. پس ابوبکر شاهد دیگر خواست و اُمّ ایمن شهادت داد ۱۰۸

علّت خشم و غضب صدیقه طاهره (علیها السلام) چیست؟ ۱۰۸

سخن فاطمه (علیها السلام): «أَتَرْتُ أَبَاكَ وَلَا أَرْتُ أَبِي؟، [آیا تو از پدرت ارث می‌بری و من از پدرم ارث

فهرست محتوا ۱۸۹

ردّ این پندار که انبیاء ارث نمی‌گذارند ۱۱۱-۱۱۲

به خبر واحدی که صدّیقه و صدّیق این امت آن را قبول نکردند، اعتنا نمی‌شود.

..... ۱۱۲-۱۱۳

به خبر واحدی که این محنت‌ها و کینه‌ها را بر امت تحمیل کرد و باب دشمنی شدید را،

کاملاً گشود، اعتنا نمی‌شود. ۱۱۳

ابوبکر نامه‌ای برای فاطمه صدّیقه علیها السلام در مورد فدک نوشت، ولی عمر نامه را گرفت و

پاره کرد. ۱۱۳

اجازه گرفتن خلیفه از عایشه:

حدیثی ساختگی از پیامبر صلی الله علیه و آله: «نحن معاشر الانبیاء لاثورث ما ترکناه صدقه» [ما پیامبران

چیزی به ارث نمی‌گذاریم و هر چه از ما بماند صدقه است] همان حدیثی که آن‌ها با

دست آویز قرار دادن آن، فدک را از صدّیقه طاهره علیها السلام غصب کردند، و ابوبکر، عایشه

و سایر همسران پیامبر را که آمده بودند یک هشتم خود را بگیرند، محروم

ساخت ۱۱۴-۱۱۵

ورثه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در اجازه گرفتن مقدّم بر دیگران بودند و عایشه فقط یک نهم از یک

هشتم را ارث می‌برد. ۱۱۵

مصیبت بزرگ آن است که حفاظ حدیث بدون توجّه به قانون عمومی اسلام در باب

تصرّف در اموال مردم، این اجازه گرفتن و دفن خلیفه در آنجا را از مناقب عمر

شمرده‌اند! ۱۱۶

فرزند پاک پیامبر امام حسن علیه السلام با کدام حقّ وصیت کرد او را در آن حجره شریف به خاک

سپارند؟ ۱۱۶

خلیفه فدک را برای مروان قرار داد:

- کلامی پیرامون «فدک» ۱۱۰
 پیوسته فدک در دست مروان و فرزندانش بود تا اینکه عمر بن عبدالعزیز متولّی امر شد و
 آن را گرفت و صدقه قرار داد. ۱۱۷
 کارهای سه خلیفه در مورد فدک بر خلاف یکدیگر بود، ابوبکر آن را از اهل بیت علیهم السلام
 گرفت، و عمر آن را به آنها برگرداند، و عثمان آن را به مروان واگذار کرد. ۱۱۷

خلیفه دل رحم‌ترین امت بود!

- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «دل رحم‌ترین شما ابوبکر، و سخت‌گیرترین شما در دین
 عمر، و داناترین فرد به قرائت قرآن از میان شما ابی، و راستگوترین شما از لحاظ
 حیا عثمان، و داناترین شما به حلال و حرام معاذ بن جبل، و داناترین شما به احکام
 ارث زید بن ثابت است، و همانا هر اُمّتی امینی دارد و امین این اُمّت ابو عبیده جراح
 است!» ۱۱۹-۱۲۰
 نقد سند حدیث ۱۲۰-۱۲۱
 نقد متن حدیث:

- الف) شاهد بر اینکه ابوبکر با رحم‌ترین اُمّت است: ۱۲۲
 ۱- آتش زدن «فجانه» ۱۲۲
 ۲- چشم پوشی از عمل زشت خالد بن ولید نسبت به بنی حنیفه و عمل خفّت بارش با
 مالک بن نویره و همسرش ۱۲۲
 ۳- توجّه نکردن به ادّعای حضرت صَدِيقَةُ طَاهِرَةِ عليها السلام پیرامون فدک. ۱۲۲
 آیا ابوبکر دستش باز نبود تا فدک را به فاطمه واگذار کند و به او برگرداند تا در فتنه را

بر اُمّت باز نکند؟! ۱۲۳

درباره این صفتِ ابوبکر از فاطمه رضی الله عنها که صدّیقه [بسیار راستگو] است بپرس در روزی که از سرا پرده خود خارج شد و در حالی که گریه می کرد با صدای بلند ندا می داد: «پدرم ای رسول خدا! بعد از تو چه ها از پسر خطّاب و پسر ابوقحافه دیدیم!» ۱۲۴

۴- درباره این صفت از امیر المؤمنین علیه السلام که صدّیق اکبر است بپرس در روزی که او را بسان کشاندن جَمَلِ مخشوش [شتری که چوب در بینی اش کرده اند تا به آن افسار بسته و او را مهار کنند] برای بیعتی کشاندند که شومی آن اسلام را فرا گرفت ۱۲۵

(ب) و اما اینکه عمر سخت گیرترین آن ها در دین است ۱۲۷

(ج) و اما اینکه عثمان راستگوترین آن ها از لحاظ حیا است ۱۲۸

(د) و اما سه نفر باقی مانده ۱۲۸

سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله: «أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ضَلَالَةَ الْأَهْوَاءِ، وَاتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ، وَالْغَفْلَةِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ» [بعد از خود بر اُمّتَم از گمراهی هوی و هوسها، و پیروی از شهوت ها، و غفلت پس از شناخت می ترسم] ۱۲۸ - ۱۲۹

ماجرای سقیفه

اشاره ای به ماجرای سقیفه و درگیری بزرگ میان مهاجرین و انصار:

۱- آن مرد خشن و تندخوی هر کسی را که قائل به مرگ رسول خدا بود تهدید به قتل می کرد و می گفت: «نمی شوم از مردی که بگوید رسول خدا مُرد، مگر اینکه او را با شمشیرم می زنم» ۱۳۱

۲- شلیخین (ابوبکر و عمر) به پا خاستند: پس یکی به دیگری می گفت: «دست را دراز کن

- (تا با تو بیعت کنیم)، و دیگری می گفت: «بلکه تو (دستت را دراز کن)»، و ابو عبیده جراح گور کن مدینه، با آن دو همراه شده بود و مردم را به آن دو دعوت می کرد. ۱۳۲
- ۳- وصی مقدس، و عترت هدایتگر و بنی هاشم، به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) مشغول بودند در حالی که پیکر آن حضرت در برابر آنها قرار داشت و اهل بیت آن حضرت در را بسته بودند. ۱۳۲
- ۴- پیکر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تا سه روز، روی زمین ماند و دفن نشد. و ابوبکر و عمر در دفن او حاضر نبودند. ۱۳۳
- صحابی بزرگ، حباب بن منذر، شمشیرش را به طرف ابوبکر گرفته بود، پس او را گرفتند، و لگد به شکمش زدند و در دهانش خاک ریختند. ۱۳۴
- ۵- ابوبکر عمر بن خطاب را به سوی آنها فرستاد و گفت: اگر (از بیعت) خودداری کردند با آن ها جنگ کن! ۱۳۵
- ۶- عمر با شعله ای از آتش آمد تا خانه آن ها را آتش بزند. فاطمه او را دید و فرمود: «ای پسر خطاب! آمده ای تا خانه ما را آتش بزنی؟» گفت: بله! مگر اینکه داخل شوید در آنچه اُمت در آن داخل شدند! ۱۳۵
- ۷- افراد آن گروه سیاسی به خانه اهل وحی هجوم بردند و رهبر آن گروه، بعد از اینکه هیزم می طلبید، می گوید: «به خدا سوگند! خانه را با شما می سوزانم، مگر اینکه برای بیعت خارج شوید»، یا گفت: «خانه را با هر که در آن است به آتش می کشم»؛ به او گفته شد: در این خانه فاطمه است؛ گفت: اگر چه فاطمه باشد! ۱۳۵ - ۱۳۶
- ۸- حضرت فاطمه (علیها السلام) به همراه زنان هاشمیه فریاد می زد، استغاثه می نمود و ندا می داد: «ای ابوبکر! چه زود بر اهل بیت رسول خدا هجوم آوردید، به خدا سوگند! با عمر

سخن نمی‌گویم تا اینکه خدا را ملاقات کنم» ۱۳۶ - ۱۳۷

۹- تندیس قداست و عظمت - امیرالمؤمنین - را از جلو مانند شتری که چوب در بینی‌اش گذارده‌اند تا مهار شود، برای بیعت می‌کشند، و از عقب با شدت و عتاب و در حالی که مردم نظاره‌گر بودند، هُل می‌دهند، و به او می‌گویند: «بیعت کن». و می‌فرماید: «اگر نکنم چه؟» پاسخ می‌دهند: «در این صورت سوگند به خدایی که جز او خدایی نیست، گردنت را می‌زنیم». می‌فرماید: «در این صورت بنده خدا و برادر رسول خدا را می‌کشید» ۱۳۷

۱۰- علی علیه السلام که با مصطفی صلی الله علیه و آله در اصل و نسب یکی هستند، به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه برده، فریاد می‌زند و می‌گرید و می‌فرماید: «یا ابنِ اُمِّ اَنِّ الْقَوْمِ اسْتَضَعْفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونِي» [ای فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند] ۱۳۷

۱۱- ابو عبیده جزّاح به علی علیه السلام گفت: «ای پسر عمو! تو جوان هستی و اینها پیران قوم تو هستند و تو تجربه و شناخت آن‌ها نسبت به اُمور را نداری... پس این امر را به ابوبکر واگذار کن...» ۱۳۸

۱۲- انصار در آن روز سخت و دشوار، با صدای بلند می‌گفتند: «ما با کسی جز علی بیعت نمی‌کنیم» ۱۳۸

۱۳- ابوبکر به انصار گفت: «ما امیر و حاکم هستیم و شما وزیر می‌باشید، و این امر دز بین ما و شما دو نیجه است مانند چاک برگ درخت خرما...» ۱۳۸

۱۴- درباره آن خلافت چه بگویم پس از اینکه ابوبکر و عمر بن خطاب آن را «فله‌ای» [امری که بدون فکر و رویه روی داد] مانند فله‌ی جاهلیت می‌دانند که خداوند امت را

از سرّ آن حفظ کند! ۱۳۹

۱۵- عمر حکم کرد: هر که را مثل این بیعت را تکرار کرد بکشید ۱۳۹

۱۶- سخن عمر: «به خدا سوگند! ما این کار را از روی عداوت نکردیم، بلکه علی را

کوچک (و کم سن و سال) یافتیم و گمان می‌کنیم که عرب و قریش به خاطر

خون‌هایی که به گردن او ست پیرامون او جمع نمی‌شوند» ۱۴۰

۱۷- پدر دو سبط رسول خدا، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «أنا عبد الله وأخو رسول الله، أنا

أحقّ بهذا الأمر منكم، لأبائكم وأتمّ أولى بالبيعة لي» [من بنده خدا و برادر رسول خدا

هستم، من بر این امر از شما شایسته‌ترم؛ با شما بیعت نمی‌کنم در حالی که شما برای

بیعت با من سزاوارتر هستید]. و عمر می‌گوید: تو رها نمی‌شوی تا بیعت کنی. و

علی (علیه السلام) فرمود: «احلب ياعمر! حلباً لك شطره» [ای عمر! شیری را بدوش که بخشی از

آن برای تو است] ۱۴۰- ۱۴۱

۱۸- علی (علیه السلام) شب‌ها در حالی که فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را بر چهار پای حمل

می‌کرد به در خانه انصار می‌رفت و فاطمه از آن‌ها کمک می‌خواست. و آن‌ها

می‌گفتند: ای دختر رسول خدا! ما با این مرد بیعت کرده‌ایم، و اگر همسر و پسر

عمویت قبل از ابوبکر پیش ما می‌آمد، ما با ابوبکر بیعت نمی‌کردیم ۱۴۱

۱۹- خطبه شقیّه ۱۴۱- ۱۴۲

إِنَّا لله و إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: آتش زدن خانه حضرت زهرا (علیها السلام):

۲۰- شاعر مصري معاصر عربده می‌کشد، و آتشهای خاموش را شعله ور می‌کند و از

سخن خود در قصیده عمریه در ذیل عنوان عمر و علی، خرسند شده و به آن می‌بالد:

وَقَوْلُهُ لِعَلِّي تَالِهَاتُ عُمُرُ .
أَكْرَمَ بِسَامِعِهَا أَعْظَمَ بِمَلْقِئِهَا

فهرست محتوا ۱۹۵

[و گفتاری به علی که آن را عمر گفت، گفتاری که شنونده‌اش چه کریم است و گوینده‌اش

چه بزرگ]. ۱۴۵

خشم فاطمه علیها السلام بر ابوبکر و عمر ۱۴۷

اگر ابوبکر بر دبارترین فرد قریش بود، با چیزی از خلق و خوی بزرگ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را

به ارث برده بود، پاره تن پاک آن حضرت در حال خشم و غضب بر وی از دنیا

نمی‌رفت ۱۴۷-۱۴۸

بخاری روایت کرده: «آن فاطمه ابنة رسول الله صلی الله علیه و آله سألت أبا بكر الصديق بعد وفاة رسول الله صلی الله علیه و آله

أن يقسم لهما ميراثها... ففضبت فاطمة بنت رسول الله فهجرت أبا بكر، فلم تنزل مهاجرة حتى

توفيت» [فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از وفات آن حضرت از ابوبکر خواست میراثش

را تقسیم کند... پس فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله غضبناك شد و از ابوبکر دوری گزید و

پیوسته از او اعراض می‌کرد تا وفات نمود]. ۱۴۸

همچنین روایت کرده: «فهجرت فلم تكلمه حتى توفيت، وعاشت بعد النبي صلی الله علیه و آله ستة أشهر، فلما

توفيت دفنها زوجها علياً، ولم يؤذن أبا بكر، وصلى عليها» [فاطمه به خاطر این، بر

ابوبکر غضبناك شد و از او اعراض کرد و با او سخن نگفت تا وفات نمود. و پس از

پیامبر صلی الله علیه و آله شش ماه زنده بود و چون وفات نمود همسرش علی او را در شب دفن نمود و

به ابوبکر خبر نداد و خود بر او نماز گذارد]. ۱۴۸-۱۴۹

غضب آن حضرت به حدی می‌رسد که وصیت می‌کند در شب دفن شود و هیچ کس بر او

وارد نشود و ابوبکر بر او نماز نخواند؛ پس در شب دفن شد و ابوبکر از آن اطلاع

نیافت، و علی بر او نماز گذارد، و آن حضرت بنا اسماء بنت عقیس او را غسل

دادند ۱۴۹

- نسبت دادن روایتی دروغین به امام صادق (علیه السلام) که حضرت فرموده است: «فاطمه در شب وفات نمود پس ابوبکر و عمر و جمعیت زیادی آمدند... ابوبکر جلو رفت و با چهار تکبیر نماز خواند» ۱۵۰
- به خاطر همین غضب اجازه نداد که عایشه دختر ابوبکر بر او وارد شود، تا چه رسد به خود ابوبکر ۱۵۰

پوزش خلیفه از صدیقه طاهره (علیها السلام):

- دروغ پردازان این دروغ را ساخته اند: «ابوبکر بر فاطمه (علیها السلام) داخل شد و از حضرت معذرت خواهی کرد و با او سخن گفت و آن حضرت از او راضی شد» ۱۵۱

نگاهی به کلامی دردناک:

- ابن کثیر می گوید: «او [فاطمه] زنی از دختران آدم است و مانند آن ها خشمگین می شود، و با توجه به تصریح پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) (بر ارث نبردن کسی از وی) و مخالفت ابوبکر صدیق (با ارث بردن فاطمه (علیها السلام)) عصمت وی واجب نیست» ۱۵۴
- احادیثی پیرامون اینکه رضایت فاطمه (علیها السلام) رضایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، و غضب فاطمه (علیها السلام) غضب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است. ۱۵۵
- سخن ابوالقاسم سهیلی: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «فاطمه پاره تن من است»؛ پس خداوند بر پیامبر و فاطمه درود فرستاده است، و این حدیث دلالت می کند بر این که هر کس به فاطمه ناسزا گوید کافر است، و هر کس بر او درود فرستد بر پدرش (صلی الله علیه و آله) درود فرستاده است» ۱۵۷ - ۱۵۸
- مناوی در شرح الجامع الصغیر نوشته است: «إنها [فاطمه] أفضل من الشيخین...» [فاطمه از ابوبکر و عمر افضل است] ۱۵۸

سخن ابن حجر: «كُلُّ مَنْ وَقَعَ مِنْهُ فِي حَقِّ فَاطِمَةَ شَيْءٌ فَتَأْذَنَ بِهِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَأَذَى بِهِ بِشَهَادَةِ هَذَا

الْخَبَرِ، وَلَا شَيْءٌ أَعْظَمَ مِنْ إِدْخَالِ الْأَذَى عَلَيْهِمَا مِنْ قَبْلِ وَلَدَاهَا» [هر کس در حق فاطمه کاری

کند که او اذیت شود، پیامبر ﷺ با این کار اذیت می شود و هیچ چیزی بزرگتر از اذیت

کردن فاطمه از جهت فرزندانش نیست] ۱۵۹

این روایات مطلق است و همه چیزهایی که موجب رضایت و غضب صدیقه می شود حتی

چیزهای مباح را در بر می گیرد ۱۶۰

حضرت فاطمه (ع) خرسند نمی شود مگر به چیزی که خرسندی خدای سبحان در آن

است، و غضب نمی کند مگر بر چیزی که خدا بر آن غضب می کند ۱۶۰

اگر آن حضرت از امر مباحی راضی شدند یا خشمگین شدند، جهتی شرعی پیدا می شود

که آن امر مباح را در امور راجح [مستحب و واجب] یا در مرجوحات [مکروه و

حرام] قرار می دهد ۱۶۰

فاطمه زهرا (ع) از دنیا رفت در حالی که با به اصطلاح خلیفه وقت بیعت نکرده بود:

پیرامون حدیث معاویه: «مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» ۱۶۰ - ۱۶۱

نکته دقیقی که باید پیرامون آن بحث کرد: صدیقه طاهره (ع) وفات کرد در حالی که در

گردنش بیعتی از آن کسی که گمان کرده اند خلیفه وقت است، نبود، و مانند اوست

شوهرش در طول شش ماه زنده بودن همسرش ۱۶۲

سخن قرطبی: «مردم به خاطر بزرگداشت فاطمه در زمان حیاتش به علی احترام

می گذاشتند، ولی چون فاطمه وفات نمود و علی با ابوبکر بیعت نکرد مردم از آن

احترام برگشتند ۱۶۲

گریه فاطمه (ع):

فاطمه (ع) بر سر قبر پاك پدرش می ایستد و مشتی از خاک قبر برداشته ، بر دیدگان نهاده ، می گرید و می گوید :

صَبَّتْ عَلَى مَصَائِبَ لَوْ أَنَّهَا صَبَّتْ عَلَى الْآيَامِ صَرْنُ لِيَالِيَا

[مصیبت هایی بر من وارد شد که اگر بر روزها وارد می شد، شب می شنید] ۱۶۴

ندبه امیر المؤمنین (ع) بر صدیقه طاهره (ع) و گریه های طولانی برای او ۱۶۴

سخن رسول خدا (ص): «أَمْ كَلِثُومٌ رَابِعُهُ أَزْوَاجُ عُثْمَانَ دُرِّيَاوردم مگر با وحیی از آسمان!» ۱۶۵

حکمت هر پیوند دامادی یا ارتباطی که بین بنی هاشم و امویان واقع شد ۱۶۶

بنی هاشم و پیشاپیش آنها شرافت بخش آنان پیامبر (ص) می خواستند آتش کینه ها را کم و حقد و دشمنی را از دلها بزدایند ۱۶۶

تفاوت بین دو داماد: مولا امیر المؤمنین (ع) ، و شوهر سیده ما اُم کلثوم [یعنی عثمان] ۱۶۷

ندبه کردن امیر المؤمنین (ع) بر صدیقه طاهره (ع) و گریه های طولانی برای او ۱۶۷

«أَمَّاخُزْنِي فَسَرَّعْتُ، وَأَمَّاإِلِيلِي فَمَسَّهْتُ» [از این پس اندوه من جاودانه ، و شبهایم شب زنده داری است] ۱۶۷